

## شعر مدرن کره

■ از: پ.پ. هیون-ترجمه: همایون نوراحمر

اشتراک ادبیات کارگری و هنر در 1923 تحت رهبری حزب کمونیست کره یک رئالیسم اجتماعی در مکتب شعر و شاعری ارائه داد. این مکتب طعنه‌آمیز نخستین بار در تاریخ کره، آزادی فردی، بسط و گسترش صنعت و مزایای فرهنگی برای توده مردم فراهم آورد. بعد در مخالفت با رئالیسم اجتماعی سال 1926 مکتب رمانتیسم زاده شد که تحت نفوذ و تأثیر نویسندگان اروپایی نظیر روسو، بلیک و کیتز بود و شاعران رمانتیکی چون لی کوانگ -- سو و لی یو. ک. سا، را در خود به عاریت گرفت و با رشد ماتریالیسم دیالکتیک به مبارزه پرداخت و به اهمیت احساس و اشراق در شعر تأکید کرد. شاعران این مکتب علاقه‌ای به درجات شعری گذشته از خود نشان دادند که غالباً به سوی متافیزیک یا علوم معقول متمایل می‌گشت. در تصوف شاعران کره‌ای هان یونگ -- اون راهب بودیست، از دیگر شاعران کره مشهورتر است که افکار فلسفی در خور توجهی دارد.

کیم کیرم و کیم کوانگ -- سو و لی این -- سو در شعر و شاعری به بودلر و ورلن مدیونند. اینان بر ضد رئالیسم اجتماعی و رمانتیسم زمان خود شوریدند و به گونه‌ای نمادین به احساسات و ایده‌های موجود اهمیت دادند. اگرچه در اشعار مدرن کره قافیه آکادمیک وجود ندارد، اما تمهیدات شاعرانه و موسیقی و متافور یا استعاره تشبیه در آنها به وضوح قابل لمس است. در اشعار کره مقام رفیع موجودات به چشم می‌خورد. گلها و سنگها ممکن است جان نداشته باشند، اما آنها را به اشیای شکوهمند بدل می‌کنند و از افاضه روحانی بشریت بهره‌مندشان می‌سازند. پنج شعر از شاعران کره را می‌خوانیم:

1

-- هان یونگ -- اون (1899 -- 1940) از نامدارترین شاعر بودیست است که از او کتاب فاضلانیه‌ای درباره بودیسم، یک مجموعه شعر و یک رمان هم به نام <باد سیاه> به چاپ رسیده است.



• نسبت معکوس  
وقتی نمی‌خوانی،  
آیا صدایت سکوت است؟  
من به وضوح صدایت را می‌شنوم --  
صدایت سکوت است.

\* \* \*

آیا چهره‌ات تار و تیره است؟  
با چشمان بسته‌ام  
به وضوح چهره‌ات را می‌بینم --  
چهره‌ات تار و تیره است

2-- لی یوک -- سا، تحصیلاتش را در دانشگاه یکن به اتمام رساند و در زندان یکن هم جان سپرد. شعر <اوج> او را می‌خوانیم:

• اوج  
با تازیانه تلخ فصل،  
سیرانجام به شمال رانده می‌شوم.  
\* \* \*

به روی تیغه شمشیر منجمد می‌ایستم  
در حالی که مدار بی حس و فلات ممزوج می‌شوند  
\* \* \*

می‌دانم در کجا نباید زانوانم را خم گردانم،  
و در کجا گامهای آزرده‌ام را جای دهم.  
\* \* \*

حتی اگر چشمانم را فرو بندم، نابود نمی‌شوم  
آخر چونان رنگین‌کمانی پولادین به زمستان می‌اندیشم.

3-- لی کوانگ -- سو (متولد 1892، را پدر ادبیات مدرن کره خوانده‌اند. این شاعر، تحصیلاتش را در دانشگاه واسه‌دا ژاپن به اتمام رسانید. لی کوانگ -- سو رمانهایی هم چون <پیشگاه> و <بوی خوش زندگی و عشق> نوشته است. شعر <در آرزوی دیدار دوستانم> را از او در یاد می‌آوریم.

• در آرزوی دیدار دوستانم  
ای برادران و خواهران!  
می‌شنوید، می‌شنوید

آيا همان طور كه در زير ديوار فرو ريخته ام مي نشينم  
ديواري كه سر فرود آورده و زانو بر زمين مي سايد  
آوازي را كه مي خوانم، مي شنويد؟

\* \* \*

اي برادران و خواهران!  
رايحه خوش چو بهاي جنگل  
را كه با دستان لرزانم  
در عود سوز ريخته ام و مي سوزند  
مي بوييد؟

\* \* \*

اي برادران و خواهران!  
آيا همان طور كه ايستاده ام  
و در بيرون از شهر مي گريم  
و انتظار مي كشم تا جايي را  
در قلبت بيايم، نظاره مي كنيد؟

4-- پ.پ. هيون كه اكنون در پاریس زندگي مي كند، در 1928 در كره به دنيا آمد. در دانشگاه كلمبيا و مادرید تحصیلاتش را به اتمام رساند. با نشریه فرانس آیزر واتور همكاري مي كند. هيون مجموعه اشعار و قصه هايش را در ليبل Libell انتشار داده است. شعر <روح سوخته> از اوست:

روح مشتعل گشت؛  
و جسم از ميان رفت؛  
و من خود را در اتاقي  
كه تن خدايان دروغي در آن مي سوزد  
مي يابم.  
\* \* \*

ستاره اي را به آسمان پرتاب مي كنم  
تا ماه را بگيرد،  
تا حكايات بي شمار پيشين را  
در نهران بشنوم.

5-- کیم کی -- ریم شاعری از نهضت آوانگارد (پیشرو) در کره، در 1909 به دنیا آمد و بعد در دانشگاه پادشاهی توبوکو تحصیل کرد.

شعر <پروانه و دریا> از این شاعر را می خوانیم:



• پروانه و دریا  
پروانه سپید از دریا بیم نداشت  
چرا كه از عمق، از عمق دریا به او چیزی نگفته بودند.  
\* \* \*

دریا را دشتي سرسبز مي پنداشت.  
و باله ایش را به روي امواج مي خيسانيد،  
و چونان ملكه اي بي نوا بر خود مي لرزيد.  
\* \* \*

در فصل رويدن بنفشه هاي ارغواني و آبي  
رايحه اي از گلها به روي دریا وجود نداشت،  
اما پرتو رنگ پریده ماه نو  
به روي شانه هاي پروانه سابه افكنده بود.

6 -- کیم کوانگ -- سو -- در 1904 به دنیا آمد و تحصیلاتش را در دانشگاه توكيو به اتمام رساند. اشعار برگزیده این شاعر با عنوان <دلتنگی> به چاپ رسیده است. شعر <فردگرایی> از اوست.

• فردگرایی  
در يك دره كوهستاني تنگدستي --  
اگر ريگي زاده شود  
و به گونه صخره اي جسيم رشد نگیرد  
اگر چونان جويباري جريان نيايد،  
لحظه را غنيمت بدان  
تا به ابديتي لايتناهي سر برکشد.

7-- لي اين -- سو در دانشگاه لندن تحصیل کرد و از 1905 تا 1950 به روي دو کتاب بيروزي زيباشناسي در کره و ترجمه‌اي از تي. اس. الیوت به نام <سرزمين باير> وقت گذرانيد. شعر <دعای صبحگاهی در بیابان> او را اثری فلسفی دانسته‌اند.

• دعای صبحگاهی در بیابان  
 درخت بی‌برگ دانش سایه نمی‌گستراند،  
 چرا که فقط میوه‌های تلخی بر آن آویزان بود.  
 همین که در زیر آن می‌نشستیم  
 بر آن بودیم که به سوي سایه برویم  
 آیا از پیش این خورشید؛ غمگانه بر فراز سرمان در می‌غلطید؟  
 و یا می‌بایستی به این میراث خشم‌انگیز  
 با آرامشی موقرانه سلام گویم؟  
 بدانید که از چه راهی به این وادی ویران، تلخ و گرم‌زده به بوته‌زارها رسیدیم.  
 کاروان امیدها و افتخار در افق نامطبوعت، دعاهاي شب هنگام را با قانون‌های مقدس زیارت و قربانی دادن پایدار می‌کند.  
 و اکنون تو چه داده‌ای؟ چه پاداشی داده‌ای؟  
 به ما شیرهای در اسارت و پلاسیده را داده‌ای.  
 دیگر فرصتی میان یاس و شادمانی وجود ندارد؛  
 سوال در این است که: چگونه ما این هرج و مرج و آشفتگی، غم و غصه و یاد بودمان را به نظم درآوریم  
 آه ای خداوند که به ما در خورشید قدرت داده‌ای  
 ما را در این ره انکار کن و نادیده بگیر.

